

# دو سند از نخستین شماره نشریه آزادی، وابسته به جبهه دموکراتیک ملی ایران



## اخلاق، سیاست و انتخابات

محمد ملکی

بسم الحق

اخلاق، سیاست و انتخابات

قسمت نخست، رفراندوم تغییر نظام

نظری به انتخاب های انجام شده در نظام ولایتی

این روشنگری را به نسل سوم تقدیم میکنم

آن روزها که من و دوستانم به نام روشنفکران مذهبی جوانان نسل اول انقلاب را به راهپیمایی و تلاش برای ساقط کردن نظام شاهی با شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی دعوت و تشویق می کردیم و رهبری آقای خمینی را چشم بسته پذیرفته بودیم و هرگز از حافظه ی تاریخی

خود در نقش روحانیت پس از انقلاب مشروطه تا آن زمان (1357) بهره نگرفتیم ، آیا میدانستیم و به این مسئله فکر کرده بودیم که برداشت آقای خمینی و روحانیون پیرو او ، از کلمات آزادی و استقلال بویژه **جمهوری اسلامی** چیست؟

من بعنوان فردی که نقشی در انقلاب داشتم پس از 33 سال اعتراف می کنم ، نه ! راستی چرا من که شاهد صحنه های تکان دهنده ای چه در کمیته استقبال و چه در روز ورود آقای خمینی در فرودگاه مهرآباد بودم از خودم نپرسیدم ، مگر تو شاهد یکه تازی ها و انحصار طلبی ها و وتو کردن های تصمیمات کمیته ها بویژه کمیته برنامه ریزی استقبال در مدرسه رفاه از سوی چند روحانی (مانند آقای مطهری) نبودی؟ مگر تو شاهد صحنه ورود آقای خمینی به سالن فرودگاه و محاصره کردن او از سوی روحانیون حاضر در آنجا که منجر به جدایی آقای طالقانی از دیگر روحانیون و پناه بردن او به گوشه ای شد نبودی؟ مگر تو شاهد صحنه هایی این چنین که همه نشاندهنده ی انحصارطلبی و خرافه گرایی روحانیون و اطرافیان آقای خمینی بود، نبودی؟ پس چه شد که چشم بر همه ی وقایع پیش از فراندوم تغییر نظام بستنی و یک بار فکر نکردی **جمهوری اسلامی** یعنی چه و از شکم آن چه چیزی بیرون خواهد آمد؟ چرا وقتی بزرگانی از نویسندگان ، شخصیت ها ، اپوزیسیون ، زنان ، اقوام ایرانی ، اقلیت های مذهبی و ... این سئوال را مطرح کردند که مقصود از جمهوری اسلامی چه نوع نظام حکومتی است، کسی به آنها جواب صریح و قانع کننده نداد تا بالاخره آقای خمینی مجبور شد بقول خودشان "خدعه" کند و بگوید: در جمهوری اسلامی ظلم نیست ، فقیر و غنی وجود ندارد ... همه ی ما از حقوق برابر برخورداریم ... در اسلام اختناق نیست ، برای همه ی طبقات آزادی وجود دارد ... من وعده می دهم که اسلام برای همه کار درست می کند و زندگی شما را مرفه می کند . (اطلاعات 12/1/1358 ص 8) چرا ما روشنفکران مذهبی این شعارها را پذیرفتیم و به پای صندوقهای رأی رفتیم و به جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد رأی دادیم؟ راستی چرا؟ و امروز پس از گذشت 33 سال در مورد آنچه برسر کشورما و جوانان ما و نسل اول و دوم و سوم انقلاب آمده چه جوابی می توانیم داشته باشیم؟ جز آنکه به آنها بگوئیم ما چشم بسته حرکت کردیم، شما چشم های خودرا باز کنید، تاریخ را بشناسید از حوادث گذشته درس بگیرید و بخصوص با بهره گیری از منابع صحیح و واقعی، گذشته را چراغی سازید برای دیدن راه آینده.

**هموطنان ، عزیزانم :**

می خواهم برای درس آموزی از گذشته، این روزها که باز گروهی می خواهند با نامه پراکنی ها تنور انتخابات را گرم کنند به حقایقی که در اولین انتخاباتی که در نظام ولایتی صورت گرفت اشاره ای داشته باشم تا ببینیم ریشه مشکل امروز ما از کجاست. میدانید پس از سقوط نظام شاهی و برپایی نظام ولایتی رفراندوم تغییر نظام در تاریخ 10 و 11 فروردین سال 1358 یعنی 48 روز بعد از اعلام پیروزی! (22 بهمن 1357) انجام شد. فکر می کنید در نظامی که خود را یک نظام اخلاقی و مذهبی معرفی می کرد، اولین مراجعه به آراء عمومی (رفراندوم) چگونه برگزار شد؟ واقعیت های تاریخی می گوید در این باصطلاح همه پرسشی از مردم، نه از اخلاق خبری بود و نه از صداقت و نه از آنچه مردم بنام مذهب می شناختند. به اظهارنظرهای چند نفر از بزرگان هنگام رأی دادن دقت فرمائید:

آیت الله خمینی گفت: "در حکومت اسلامی همه به حقوق خود می رسند" (کیهان 11/1/1358 ص 3)

مهندس بازرگان نخست وزیر گفت: "تمام آزادی زنان تضمین شده است" (همان منبع ص 3)

دکتر کریم سنجابی وزیر خارجه گفت: "جمهوری اسلامی بر اساس دموکراسی و ملیت برپا می شود" (همان منبع ص 3)

آیت الله گلپایگانی گفت: "اسلام تمام مشکلات اجتماعی و اقتصادی جهان را حل می کند" (همان منبع ص 3)

در مورد قولهای این مردان که در آن دوران همگان آنها را بزرگان اخلاق و سیاست میدانستند خود قضاوت کنید. و اما از معلمین اخلاق آن هنگام که به سیاست ورود کردند و به قدرت نزدیک شدند، هنگام اعلام نتیجه ی همه پرسشی که امانتی بود از سوی مردم در دست آنها نمی توان سخن نگفت و آن را به فراموشی سپرد. چه در آن روزها تخم آنچه ما امروز بعد از قریب 33 سال درو می کنیم کاشته شد.

چند روز پس از رفراندوم روزنامه ی اطلاعات در صفحه اول خود با تیتر درشت و به یاد ماندنی و از قول احمدنوربخش مسئول ستاد مرکزی رفراندوم در وزارت کشور اعلام کرد، طبق آمار وصولی که بر اساس استخراج و تلفن گرام از سراسر کشور به وزارت کشور رسیده است 20 میلیون و 288 هزار و 21 نفر در سراسر کشور در رفراندوم جمهوری اسلامی شرکت کرده اند. از این عده 20 میلیون و 143 هزار و 55 نفر به جمهوری اسلامی رأی آری و 140 هزار و 966 نفر رأی نه داده اند.

وی افزود واجدین شرایط برای رأی دادن در کشور حدود 22 میلیون و 800 هزار نفر برآورد شده بود (روزنامه اطلاعات 1358/1/15ص1). مهندس بازرگان نخست وزیر هم در یک پیام رادیو تلویزیونی در تائید این سخنان گفت: "نتیجه رفراندوم را به همه ملت ایران تبریک می گویم... از 22 میلیون نفر 16 سال به بالا، 20 میلیون و 288 هزار نفر طبق ارقامی که امروز از وزارت کشور دادند در رفراندوم شرکت کردند یعنی 5/99 درصد مردم ایران که مشمول این عمل بودند شرکت کردند، شاید بتوانم بگویم در دنیا چنین مشارکتی در هیچ امر رفراندوم و انتخاباتی که در ممالک دموکراتیک صورت می گیرد هیچ وقت صورت نگرفته است از این 20 میلیون و 147 هزار که شرکت کردند 99 درصد جواب آری دادند و کمتر از یک درصد مخالفت با جمهوری اسلامی کردند و رأی مخالف دادند" (روزنامه اطلاعات 1358/1/16ص3).

پیش از آنکه به آمارهای رسمی دیگر بپردازیم بهتر است در همین جا یک حساب سرانگشتی بکنیم تا معلوم شود این عدد 5/99 درصد از کجا آمده است. گفته شد از 22 میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن 20 میلیون نفر در رفراندوم شرکت کرده اند (ارقام ریز حذف شده). اگر از 22 میلیون رأی داده باشند درصد رأی دهندگان می شود حدود 91 درصد. پس باید به مردم پاسخ داده می شد رقم غیرواقعی 5/99 از کجا آمده است؟ (در اینجا باید تاکید کنم که من در این مطلب و مطالب مشابه به بررسی تاریخ میپردازم و در آن اشتباهات خود و یاران و همفکرانم را نادیده نمیگیرم. اما این مساله به هیچ وجه بر ارادت من نسبت به شخصیت مهندس بازرگان خدشه ای وارد نخواهد کرد)

اما مهمتر از این ایرادات، بی توجهی به آماريست که بعضی از دست اندرکاران انتخابات و شخصیت ها داده اند که چند نمونه از آنها را در اینجا می آورم. وزیر کشور اعلام کرد "24 میلیون نفر می توانند در رفراندوم رأی دهند" (روزنامه کیهان 1358/1/7ص1). دکتر صادق طباطبائی معاون سیاسی و اجتماعی وزارت کشور گفت: "تعداد افراد واجد شرایط دادن رأی در سطح کشور با در نظر گرفتن جمعیت 33 میلیونی ایران که جزو کشورهای است که جمعیت آن بسیار جوان است، خیلی کمتر از 24 میلیون نفر است چه قسمت وسیعی از این جمعیت را افراد زیر 16 سال تشکیل می دهند. (اطلاعات 1358/1/8ص8) و حجت الاسلام دکتر مفتاح که از روحانیون سرشناس بود در رابطه با سخنان وزیر کشور گفت: "با احتمال قریب به یقین می توان گفت که مجموع کسانی که می توانند رأی بدهند رقمی بین 10 تا 12 میلیون نفر را تشکیل می

دهد" (همان منبع) مهندس عباس امیر انتظام معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت یک روز قبل از رفراندوم و بعد از جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران حاضر شد و در پاسخ یکی از خبرنگاران گفت: "بر اساس آخرین سرشماری 18 میلیون و 798 هزار و 200 تن از جمعیت ایران بالای 16 سال هستند و بر اساس تجربه معمولا 60 تا 65 درصد افراد واجد شرایط اقدام به دادن رأی می کنند که تعداد آنها بالغ بر 12 میلیون خواهد شد" (کیهان 11/1/1358 ص 5). روز دوم رفراندوم، روزنامه اطلاعات در چاپ دوم خود نوشت "وزارت کشور اعلام کرد که جمعا 15 میلیون نفر سن زیر 16 سال دارند که نمی توانند حق رأی داشته باشند، 4 میلیون نفر در ارتفاعات زندگی می کنند که فراهم کردن وسایل برگزاری رفراندوم برایشان میسر نیست و از سوی دیگر فراخوان آنها به شهرها و مراکز اخذ رأی نیز محدود است یک میلیون نفر هم سن بالای هفتاد سال دارند که به علت کهولت و ضعف نمی توانند رأی بدهند" (اطلاعات 11/1/1358 ص 4).

حال این ضد و نقیض گوئی ها و آمار واجدین شرایط رأی دادن از 22 میلیون تا 10 - 12 میلیون نفر را با اعلام بسیاری از گروههای قومی و سیاسی برعدم شرکت در رفراندوم را در کنار هم بگذارید تا متوجه شویم در اولین مراجعه به آراء عمومی از سوی معلمین اخلاق که وارد سیاست شده بودند چه ملغمه ای به دست می آید و چند روز پس از انقلاب چگونه به مردم اطلاعات غیرواقعی دادند و اعلام کردند 5/99 درصد مردم در انتخابات شرکت کردند. البته وقتی سخنگوی وزارت کشور اعلام می کند "کسانی که به هر علتی شناسنامه خود را در دست ندارند و یا شناسنامه آنها مفقود شده است می توانند با در دست داشتن کارت شناسائی معتبر از سازمان یا وزارت خانه ی خود در انتخابات شرکت کنند و رأی بدهند، همچنین کارگران کارخانه ها و یا کارگاههایی که شناسنامه خود را همراه نداشته باشند با در دست داشتن تعهد کتبی از صاحب کارخانه یا استادکار خود می توانند در انتخابات شرکت کنند" (کیهان 9/1/1358 ص 8)، معلوم است چنین دستورالعملی چند روز قبل از رفراندوم چه آشفتگی و تقلباتی را در انتخابات موجب خواهد شد.

حال بی مناسبت نمیدانم جریانی را که خود شاهد آن بوده ام در اینجا بیاورم تا از آنچه در اولین همه پرسی در نظام ولایتی رخ داد، نسل سوم انقلاب که از نتایج انتخابات سال 88 شگفت زده شد و قیام کرد و به خیابانها ریخت بهتر و بیشتر آگاه گردد. من در رفراندوم 10 فروردین سال 58 مسئول شعبه ی اخذ رأی بیمارستان شهدای تجریش

بودم نزدیک ظهر یکی از بچه محل هایم که نسبتی هم با ما داشت و فردی تحصیل کرده و دبیر یکی از مدارس شمیران بود سراسیمه به محل اخذ رأی مراجعه کرد تا رأی بدهد. از او شناسنامه و مدارک خواستیم خندید و گفت: ای بابا من تا این ساعت در بیش از 10 حوزه رأی داده ام!! من و همسرم و دیگر اعضاء حوزه رأی گیری شوکه شدیم. راستی با آگاه شدن از چنین تقلباتی نباید به نام حافظ رأی مردم عکس العمل نشان می دادیم. عکس العمل ما چه بود؟ هیچ! چون می خواستیم جمهوری اسلامی برپا شود اما به چه قیمتی جواب آنرا امروز نسل سوم انقلاب با پوست و گوشت و تمام وجود احساس می کند. بگذارید شرمگینانه بگویم ما در جریان انقلاب و رفراندوم و انتخابات مجلس "خبرگان" که در نامه بعد به آن می پردازم و در این سه دهه بعثت تسلیم شدن به احساسات و ناآگاهی و عدم شناخت، دچار تقصیر فراوان شدیم و آنچه نسل دوم و سوم انقلاب کشیدند و می کشند بار آن بردوش کسانیست که از روز اول در برابر دروغ و خدعه و فریبکاری با سکوت خود اساس ظلم را بنا کردند، که امروز باید در برابر خدا و خلق جوابگو باشند که چرا در این خلافتکاری شرکت کردند و یا سکوت نمودند. ما امروز باید بعد از گذشت 3 دهه جوابگوی اعمال، بی توجهی ها، سکوت و ندانم کاریهای خود باشیم. اعمالی که خشت بنای انتخاب های بعدی از جمله انتخابات سال 88 را که موجب طغیان مردم شد و آن همه کشتار و به زندان رفتن و شکنجه معترضین را موجب شد. امروز وقتی قانون اساسی جمهوری اسلامی را باز می کنیم در همان اصل اول آثار آن بداخلاقی ها و خلافتکاری ها و جابجا کردن ارقام و اعداد و عدم صداقت حاکمیت با مردم را می بینیم. در این اصل آمده است :

اصل اول : حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران ، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن ، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت 2/98 % کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت دادند (قانون اساسی جمهوری اسلامی) .

باید نویسندگان و تصویب کنندگان این قانون (اعضاء مجلس خبرگان) روشن می فرمودند این رقم 2/98 درصد که در قانون اساسی دیده می شود از کجا آمده است؟ دقت کنید که در خوشبینانه ترین حالت 98.2 درصد شرکت کنندگان - و نه کلیه واجدین حق رای- میتوانند درست

باشد. آیا اینگونه گنجاندن این رقم در متن قانون اساسی نشان‌دهنده ی یک بداخلاقی و فریب نیست که نهال آن چند روز پس از پیروزی مردم و تغییر نظام کاشته شد و بعد از سه دهه ثمره آن را در آخرین انتخابات (سال 88) دیدیم؟

امیدوارم بزودی بتوانم در مورد دومین انتخابات جمهوری اسلامی که برای بررسی پیش نویس قانون اساسی انجام شد و منجر به تحمیل اصل پنجم این قانون به ملت گردید حقایقی را برای تجربه آموزی نسل جوان بنویسم. (1). اما می‌خواهم در پایان این مرور تاریخی یکبار دیگر سخنی داشته باشم با کسانی که هنوز نمی‌خواهند بپذیرند تا این قانون اساسی و اختیارات فوق قانون ولی فقیه وجود دارد انجام یک انتخابات آزاد در ایران امکان پذیر نیست. نظامی که این چنین آلوده به فساد و چپاول و دروغ‌گویی و بی‌اخلاقی شده ممکن است اجازه دهد برای جلب رأی دهنده ی بیشتر کمی فضا باز شود و به چند نفری از منتقدین معتقد به ولایت فقیه و قانون اساسی هم رخصت شرکت در انتخابات دهد، اما هرگز اجازه نمیدهد تا یک انتخابات آزاد و عادلانه برگزار شود تا نمایندگان واقعی مردم بتوانند به اداره امور جامعه پردازند. برای رسیدن به انتخابات آزاد باید به جای چشم داشت به مرحمت حکومت، اراده ایستادگی برای تغییر ساختاری داشت.

(1) - در این نوشته از پژوهش‌های عالمانه ی جناب آقای علی محمد جهانگیری که بعنوان "از پیروزی تا استحاله" جمع آوری کرده اند، بهره فراوان بردم

دکتر محمدملکی

آذر 1390

---

**“همه پرسى تغییر رژیم” و آن**

# چند میلیون رأیِ "از کجا آوردی؟"

یادداشت منتشر نشده ای از ناصر پاکدامن

همه پرسى هم يك نظرخواهى است. پرسیدن نظر شهروندان دربارۀ مسئله ای از مسائل اساسی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه. این نظرخواهی مستقیم و بلاواسطه است: همه پرسى مراجعۀ مستقیم به آرای عمومی است. همۀ شهروندان صاحب حق رأی به اظهار نظر دعوت می شوند. بحث دربارۀ يك همه پرسى، مسائل گوناگونی را مطرح می کند. بحث در علل و انگیزه ها، ضرورت و موجبات همه پرسى، بحث در موضوع همه پرسى، در چگونگی سازماندهی، در چگونگی طرح پرسش یا پرسشها، بحث دربارۀ نحوه انجام و برگزاری همه پرسى و و و.

دربارۀ همه پرسیده و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ که از آن با عنوان "همه پرسى تغییر رژیم" یاد کرده اند، نیز پرسشهایی ازینگونه مطرح می شود. برخی ازین پرسشها در همانزمان از سوی نیروهای سیاسی و مطبوعات و صاحبانظران مطرح گردید. به این ترتیب بود که از جمله هم برخی در ضرورت چنین همه پرسى سخن گفتند و هم دیگرانی موضوع آن را مبهم و نا روشن دانستند. و البته حرف و سخنها به همین جا و در همین حدود پایان نمی گرفت.

غرض ازین سطور بیشتر بحثی است در بارۀ نتایج حاصل ازین همه پرسى و پرسش و پرسشهایی در کم و کیف این نتایج.

هفته نامه آزادی، وابسته به جبهه دموکراتیک ملی ایران، در شمارۀ نخست خود که دو روز پیش از شروع همه پرسى انتشار یافت (۸ فروردین ۱۳۵۸) بیانیه جبهه دموکراتیک ملی ایران را در تحریم این همه پرسى اتشار داد. بیانیه ای با عنوان "چرا در رفرا ندیم شرکت نمی کنیم؟" که ضمن انتقادات دقیق از موضوع و نحوه برگزاری همه پرسى، دلائل عدم شرکت جبهه دموکراتیک درین مراجعۀ به افکار عمومی را اعلام می داشت. در یکی دو روزی که به برگزاری همه پرسى مانده بود، همین موضع از سوی ۱۲ سازمان و گروههای سیاسی دیگر (که همگی فعالانه در انقلاب شرکت کرده بودند) نیز اتخاذ گردید. سازمان فدائیان خلق ایران، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و شخصیتهایی چون شیخ عزالدین حسینی از جمله اهم شخصیتها

و نیروها و سازمانهای تحریم کننده بودند.

آزادی در همان شمار [ خود از تعداد کل کسانی که می توانستند در این همه پرسی شرکت جویند (تعداد صاحبان بالقوه حق رأی) تخمینی به دست داد. با توجه به اینکه دولت موقت، حداقل سن رأی را ۱۶ سال اعلام کرده بود، کلیه کسانی که در آن تاریخ ۱۶ سال و بیشتر داشتند می توانستند در همه پرسی شرکت جویند. محاسبه این رقم (تعداد افراد ۱۶ ساله و بیشتر در جمعیت ایران در فروردین ۱۳۵۸، یعنی دو سال و نیمی پس از سرشماری) نیز بر اساس نتایج سرشماری جمعیت کشور در آبان ۱۳۵۵ (که اطلاعات دقیقی از ترکیب سنی جمعیت کشور به دست می داد) و با در نظر گرفتن ضریب رشد جمعیت در آن زمان، چندان کار دشوار و ناممکنی نبود. این چنین بود که آزادی به تخمین شمار [ صاحبان بالقوه حق رأی (تعداد افراد ۱۶ ساله و بیشتر) دست زد و به این نتیجه رسید که این رقم نمی تواند از ۱۹ میلیون نفر بیشتر باشد. و آن ارزیابی چنین عرضه شده بود:

### “تعداد رأی دهندگان؟”

تعداد رأی دهندگان (تعداد صاحبان بالقوه حق رأی) تخمیناً ۱۹ میلیون نفر است. این رقم بر اساس سرشماری جمعیت کشور در آبان ۱۳۵۵ و با در نظر گرفتن ضریب رشد جمعیت در آن زمان، چندان کار دشوار و ناممکنی نبود. این چنین بود که آزادی به تخمین شمار [ صاحبان بالقوه حق رأی (تعداد افراد ۱۶ ساله و بیشتر) دست زد و به این نتیجه رسید که این رقم نمی تواند از ۱۹ میلیون نفر بیشتر باشد. و آن ارزیابی چنین عرضه شده بود:

تعداد رأی دهندگان (تعداد صاحبان بالقوه حق رأی) تخمیناً ۱۹ میلیون نفر است. این رقم بر اساس سرشماری جمعیت کشور در آبان ۱۳۵۵ و با در نظر گرفتن ضریب رشد جمعیت در آن زمان، چندان کار دشوار و ناممکنی نبود. این چنین بود که آزادی به تخمین شمار [ صاحبان بالقوه حق رأی (تعداد افراد ۱۶ ساله و بیشتر) دست زد و به این نتیجه رسید که این رقم نمی تواند از ۱۹ میلیون نفر بیشتر باشد. و آن ارزیابی چنین عرضه شده بود:

تعداد رأی دهندگان (تعداد صاحبان بالقوه حق رأی) تخمیناً ۱۹ میلیون نفر است. این رقم بر اساس سرشماری جمعیت کشور در آبان ۱۳۵۵ و با در نظر گرفتن ضریب رشد جمعیت در آن زمان، چندان کار دشوار و ناممکنی نبود. این چنین بود که آزادی به تخمین شمار [ صاحبان بالقوه حق رأی (تعداد افراد ۱۶ ساله و بیشتر) دست زد و به این نتیجه رسید که این رقم نمی تواند از ۱۹ میلیون نفر بیشتر باشد. و آن ارزیابی چنین عرضه شده بود:

اما ارقام از زبان مسئولان امر جزین بود.

در ۱۵ فروردین ۱۳۵۸ احمد نوربخش مسئول ستاد رفراندوم وزارت کشور اعلام کرد که درین رفراندم، تعداد کل واجدین شرایط، یعنی دارندگان حق رأی، ۸/۲۲ میلیون نفر بوده است که ۰۲۱/۲۸۸/۲۰ نفر در رأی گیری شرکت کرده اند و تنها ۱۴۰۹۶۶ نفر ایشان به جمهوری اسلامی

رأی منفی داده اند ( ۰.۷/۰ درصد ) .

در شامگاه همان روز هم مهندس بازرگان، نخست وزیر دولت موقت، در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد که تعداد کل دارندگان حق رأی ۲۲ میلیون نفر بوده است. وی گفت که ۵/۷ درصد از دارندگان حق رأی (۷/۱ میلیون نفر) در همه پرسش شرکت نکرده اند و بیشترین ایشان هم به دلائل عادی و موحه : بیماری، سفر، نداشتن شناسنامه و یا عدم دسترسی به حوزه های رأی گیری در مناطق دورافتاده.

همو افزود که در همه پرسش ۱۱ و ۱۲ فروردین، ۲۰ میلیون و ۲۸۴ هزار نفر در رأی گیری شرکت کرده اند که ۹۹.۳٪ ایشان به جمهوری اسلامی رأی مثبت و مابقی (کمتر از یک درصد از رأی دهندگان) رأی منفی داده اند ( لوموند، جمعه ۶ آوریل ۱۹۷۹ ) .

درین گفتار تلویزیونی بود که مهندس بازرگان شمار ناچیز "نه گویان" را نشان و وزن و اهمیت واقعی تحریم کنندگان همه پرسش دانست، غافل ازینکه تحریم کنندگان، بر حسب تعریف، اصولاً شرکت در همه پرسش را تحریم کرده اند و فرق است میان آنکه شرکت در رأی گیری را تحریم کرده است با آنکه در رأی گیری شرکت کرده است و رأی مخالف داده است. و شاید سحر قدرت و یا مصلحتکاری های سیاسی است که دید مردان علم را هم بر بدیهیات بسته می دارد.

یادداشت کوتاه زیر یادآور برخی ازین بدیهیات و مسلمات است و از تورمی چند میلیونی در ارقام همه پرسش حکایت دارد:

### "جمعیت ایران ۵/۴۱ میلیون نفر است!"

۱- در همه پرسش شرکت کرده اند ۲۰ میلیون و ۲۸۴ هزار نفر. ۲- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۲ میلیون و ۹۱۶ هزار نفر. ۳- در همه پرسش شرکت کرده اند ۹۹.۳٪ از رأی دهندگان. ۴- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۰.۷٪ از رأی دهندگان. ۵- در همه پرسش شرکت کرده اند ۵/۷٪ از رأی دهندگان. ۶- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۴۱/۱٪ از رأی دهندگان. ۷- در همه پرسش شرکت کرده اند ۹۹.۳٪ از رأی دهندگان. ۸- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۰.۷٪ از رأی دهندگان. ۹- در همه پرسش شرکت کرده اند ۵/۷٪ از رأی دهندگان. ۱۰- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۴۱/۱٪ از رأی دهندگان.

۱۱- در همه پرسش شرکت کرده اند ۲۰ میلیون و ۲۸۴ هزار نفر. ۱۲- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۲ میلیون و ۹۱۶ هزار نفر. ۱۳- در همه پرسش شرکت کرده اند ۹۹.۳٪ از رأی دهندگان. ۱۴- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۰.۷٪ از رأی دهندگان. ۱۵- در همه پرسش شرکت کرده اند ۵/۷٪ از رأی دهندگان. ۱۶- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۴۱/۱٪ از رأی دهندگان. ۱۷- در همه پرسش شرکت کرده اند ۹۹.۳٪ از رأی دهندگان. ۱۸- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۰.۷٪ از رأی دهندگان. ۱۹- در همه پرسش شرکت کرده اند ۵/۷٪ از رأی دهندگان. ۲۰- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۴۱/۱٪ از رأی دهندگان.

۲۱- در همه پرسش شرکت کرده اند ۲۰ میلیون و ۲۸۴ هزار نفر. ۲۲- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۲ میلیون و ۹۱۶ هزار نفر. ۲۳- در همه پرسش شرکت کرده اند ۹۹.۳٪ از رأی دهندگان. ۲۴- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۰.۷٪ از رأی دهندگان. ۲۵- در همه پرسش شرکت کرده اند ۵/۷٪ از رأی دهندگان. ۲۶- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۴۱/۱٪ از رأی دهندگان. ۲۷- در همه پرسش شرکت کرده اند ۹۹.۳٪ از رأی دهندگان. ۲۸- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۰.۷٪ از رأی دهندگان. ۲۹- در همه پرسش شرکت کرده اند ۵/۷٪ از رأی دهندگان. ۳۰- در همه پرسش شرکت نکرده اند ۴۱/۱٪ از رأی دهندگان.

آنچه درین میان شگفتی آور است اظهارات حجت الاسلام ابراهیم مفتاح، عضو شورای انقلاب در روز چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۵۸، دو روز پیش از برگزاری همه پرسی است. وی اعلام کرد که درین همه پرسی، از یک جمعیت ۳۵ میلیونی، احتمالاً ۱۰ تا ۱۲ میلیون (و از جمله ۱.۷ میلیون جوانان ۱۶ تا ۱۸ ساله) در رأی گیری شرکت خواهند کرد (لوموند، شنبه ۳۱ مارس/۱۱ فروردین ۱۳۵۷).

این عضو شورای انقلاب برپایه چه اطلاعاتی چنین ارزیابی را عرضه می کرد که جمعیت ایران در در آن زمان ۳۵ میلیون نفر است و شمار افراد ۱۶ و ۱۷ ساله نیز حدود ۱.۷ میلیون نفر است (این رقم در سرشماری آبان ۱۳۵۵، معادل ۴۲۶/۱ میلیون نفر بوده است). دو رقمی که هر دو از وجود محاسبات و تخمینهای دقیقی از جمعیت ایران و تعداد دارندگان حق رأی حکایت می کند. با توجه به این ارقام، تعداد کل دارندگان حق رأی (یعنی جمعیت ۱۶ ساله و بیشتر)، ۵۵/۱۸ میلیون نفر می شود و اگر انتظار می رفته است که تنها ۱۰-۱۲ میلیون نفر ازیشان در رأی گیری شرکت کنند یعنی میزان مشارکت در همه پرسی حدود ۱/۵۴ تا ۹/۶۴ درصد بوده است و شمار آنان که به هر علتی (و از جمله تحریم) از شرکت در همه پرسی خودداری کرده اند، ۵۵/۶ تا ۸ میلیون نفر بوده است؛ یعنی حدود ۳۶ تا ۴۵ درصد کل دارندگان حق رأی! رقمی که مثل اینکه با آن یک درصد بازرگانی چندان فاصله ای ندارد! راستی را آن عضو شورای انقلاب این اطلاعات را از کجا آورده است؟

اما داستان آن همه پرسی در این چند میلیون ناقابل خلاصه نمی شود. می شود درین راه پیشتر رفت و این البته مجال دیگری می خواهد...

بریده نشریه آزادی، شماره ۳، ۲۲ فروردین ۱۳۵۸:



---

## همه پرسی : "بسته است این در"

# دلا باید در دیگر زدن

ندای آزادی : اشاره محمد قائد در آغاز مقاله، به عدم نشر مطلبی انتقادی نسبت به رفتارندم در روزنامه آیندگان، به خوبی نشان دهنده فضایی است که آن روزها بر جامعه فرهنگی و مطبوعاتی کشور حاکم بود، چندان که حتی روزنامه ای مثل آیندگان پس از بحثی طولانی در تحریریه در این باره سرانجام تصمیم به سانسوری درونی میگیرد. دنباله مقاله به مقایسه آن همه پرسى با موارد مشابه و بررسی و برشمردن کاستی ها و نارسایی های موجود عجیب الخلقه ای میپردازد که در فردای آن همه پرسى زاده شد: **جمهوری اسلامی.**

برای مطالعه این مقاله به [اینجا](#) رجوع کنید.

---

## بنای کج رفتارندوم ۱۲ فروردین ۱۳۸۵

علی افشاری

۳۳ سال از همه پرسى ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ می گذرد که در پی آن نظام جمهوری اسلامی استقرار یافت. طبق آمار های رسمی ۹۸ درصد از جمعیت ۱۶ سال به بالای ایران در آن زمان به جمهوری اسلامی آری گفتند. پیرامون این رفتارندوم ایرادات زیادی دارد. بخشی از آن به فضای سیاسی قبل از همه پرسى بر می گردد که به هیچ وجه متناسب با اصول یک رفتارندوم صحیح و معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه نبود. همچنین در جریان اجرای انتخابات نیز دست کاری ها، تقلب و دخالت های بی موردی صورت گرفته است که در ادامه به آن پرداخته می شود.

البته تخلف ها در حدی نبود که گزینهء جمهوری اسلامی در همه پرسى پیروز نشود. تاثیر آن در کاهش آمار موافقان جمهوری اسلامی از ۹۸ درصد به عددی کمتر است. اما در هر حال تقریباً می توان مطمئن بود که افزون بر پنجاه درصد به جمهوری اسلامی رای مثبت می دادند.

ولی مجموعه ایرادات باعث می شود تا مشروعیت همه پرسی ۱۳۵۸ زیر سؤال برود. لذا از این منظر می توان گفت که نظام جمهوری اسلامی از ابتدا بر اساس روش ها و شیوه های غلط تاسیس شد. در واقع پایه ثقل موثر و گسترده انتخاباتی ۱۳۸۸ در فرودین ۱۳۵۸ گذاشته شد که حقانیت و هدف سیاسی- انقلابی توجیه گر انحراف انتخابات از مسیر طبیعی شد. همچنین رهبران حکومت به خود اجازه دادند تا نهاد های برگزار کننده انتخابات از بی طرفی خارج بشوند و با اعمال قیم مآبی نگذارند مردم در شرایط یک انتخاب واقعی قرار گیرند. بلکه حوزه محدودی برای گزینش داشته باشند. این حوزه محدود به مرور در سالیان پس از انقلاب لاغر تر و کوچک تر شد تا به شبه انتخابات کنونی رسید. حال با این توضیحات ابتدا می پردازیم به مشکلات محتوی و پیشا انتخاباتی.

منطق رفرا ندوم ایجاب می کرد که مردم حق گزینش از بین گزینه های گوناگون داشته باشند یا اینکه خود آنان بر برگه های رای نظام دلخواه سیاسی مطلوب خود را بنویسند. همه پرسی یعنی تعیین تکلیف بین انجام دادن یا امتناع از کاری. اما در رفرا ندوم ۵۸ چنین چیزی وجود نداشت. مردم تنها بین دو گزینه نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی مخیر بودند. جمهوری اسلامی مفهوم گنگ و مبهمی بود نه سابقه تاریخی داشت و نه از چهارچوب مفهومی و حقوقی مشخصی برخوردار بود.

آیت الله خمینی یکسری وعده و شعار کلی پیرامون جمهوری اسلامی مطرح کرده بود. آیت الله مرتضی مطهری نیز گفت: "جمهوری اسلامی نظامی است که شکل آن جمهوری است و محتوی آن اسلام." طبیعی است با تنوع دیدگاه هایی که پیرامون اسلام وجود داشت این توضیحات ن یمتوانست روشن کننده محتوی جمهوری اسلامی باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه های مختلف انقلابی دیدگاه های متفاوتی پیرامون فرم و ویژگی های نظام سیاسی جایگزین داشتند. گروه های چپ جمهوری دموکراتیک خلق را پیشنهاد می کردند. برخی از نیرو های ملی نظر به جمهوری ملی داشتند. مهندس مهدی بازرگان جمهوری دموکراتیک اسلامی را پیشنهاد داد. مذهبی های سنتی و ایدئولوژیک از جمهوری اسلامی پشتیبانی می کردند که در تظاهرات های بزرگ پیش از انقلاب همراه با آزادی و استقلال به شعار اصلی و غالب تبدیل شده بود.

ولی طرح شعار های آزادی خواهانه آنقدر قدرت داشت که این تصور به وجود بیاید که باید رفرا ندوم به صورت چند گزینه ای برگزار شود.

آیت الله شریعتمداری محدود کردن مردم به انتخاب دو گزینه ای را مردود بشمار آورد و پیشنهاد داد که رای دهندگان این امکان را داشته باشند که گزینه دلخواه خود را بر روی برگه رای بنویسند. آیت الله مفتاح که از مدافعان آیت الله خمینی، استاد دانشگاه الهیات و مسئول یکی از کمیته های تهران بود طی مصاحبه ای با روزنامه آیندگان در ۲۱ اسفند ۱۳۵۷ گفت: "در همه پرسی، انتخاب هر يك از روشهای زیر آزاد خواهد بود: جمهوری اسلامی، جمهوری، جمهوری دموکراتیک، جمهوری دموکراتیک خلق و رژیم سلطنتی."

اما آیت الله خمینی با موضع گیری صریح انتخاب مردم را محدود به آری یا نه به جمهوری اسلامی کرد. وی که بیشتر از ناحیه جمهوری دموکراتیک اسلامی احساس خطر می کرد، گفت. جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه بیش! اسلام همه اش دموکراسی است، اسلام عین دموکراسی است. "وی همچنین با حضور در دبیرستانی در قم در اسفند ماه ۱۳۵۷ گفت: "

آنها (مخالفین انقلابی جمهوری اسلامی) اصلا در این نهضت دخالتی نداشتند. آنها که امروز به خیال خودشان می خواهند بر سر سفره آماده بنشینند، در این نهضت به هیچ وجه دخالت نداشتند. این نهضت را شما طبقه محصل، طبقه کارگر، دهقان و بازاری... اینها به بار آوردند. اینها حق دارند. آنها که در خارج بودند و برای میوه چینی آمده اند و آنها که در سطح های بالا نشسته اند و منظره ها را نگاه کرده اند، کمک کرده اند به رژیم و حالا به صورت انقلابی در آمده اند، آنها را نپذیرید. آنها که "قلم های مسموم" در دست گرفته اند و بر خلاف اسلام می نویسند و "ملی" و "دموکراتیک" و این حرف ها را به میان می آورند از آنها نپذیرید. ما اسلام را می خواهیم. ملت اسلام را می خواهد. آنها که کوشش دارند نهضت ما را تضعیف کنند، دولت ما را تضعیف کنند، تا به خیال آنها نتوانیم در رفرا ندوم موفق شویم خیال خامی به سر خود شان می پزند. ملت ما یکپارچه خواهان جمهوری اسلامی است... کمونیست ها هم باید جمهوری اسلامی بخواهند. اگر بخواهند برای این ملت کار کنند، استقلال کشور را می خواهند، آنکه علاقه به ملت دارد، اگر راست می گویند باید جمهوری اسلامی بخواهند. " (منبع روزنامه آیندگان، اسفند ۱۳۵۷)

بدین ترتیب وی مخالفان جمهوری اسلامی و مدافعان جمهوری ملی و یا دموکراتیک را مخالفان اسلام و صاحبان قلم های مسموم نامید. با این سخنان آیت الله خمینی و بسیج تمام نهاد ها و منابع دولتی برای ترویج جمهوری اسلامی دیگر رفرا ندوم بی معنا شد. در واقع انتخاب از

قبل صورت گرفته بود و بنیانگذار جمهوری اسلامی پیشاپیش ردای جمهوری اسلامی را بر قامت کشور ایران پوشانده بود. همه پرسى از دید وی معنای بیعت داشت. او انتظار نداشت مردم انتخاب کنند. بلکه از آنها می خواست تا اراده و تصمیم وی را تایید کنند. طبیعی بود وقتی انقلابی شده است و مردم بر علیه حاکمان نظام پیشین قیام کرده اند، مدافعان آلترناتیو جمهوری محور جمهوری اسلامی نیز خائن و صاحبان قلم های مسموم خوانده می شوند و انتخابات تبدیل به رویارویی اسلام و کفر می شود، دیگر جایی برای انتخاب باقی نمی ماند و گزینه جمهوری اسلامی با رای های بالا از صندوق بیرون می آید.

از اینرو این همه پرسى شرایط لازم برای یک انتخابات مشروع را نداشت. حتی در حالی که قرار بود تکلیف نظام سلطنتی در همه پرسى مشخص شود، در برگه های رای در مقابل "نه" نوشته شد: "رژیم سابق"!! این نکته خود معرف ماهیت نمایشی و تشریفاتی رفراندوم فوق است.

اما نیرو های سیاسی اکثرا بنا به ضرورت تثبیت نظم در کشور و نگرانی از تحركات ضد انقلاب علی رغم انتقاد نسبت به شکل اجرای رفراندوم در آن شرکت کردند و مردم را به دادن رای "آری" به جمهوری اسلامی ترغیب کردند. اما اقلیتی از نیرو های سیاسی غیر از مدافعان رژیم گذشته که جرات اظهار نظر علنی نداشتند، نیز صریحا همه پرسى سال ۱۳۵۸ را تحریم کردند.

اسامی افراد شاخص و گروه هایی که به جمهوری اسلامی آری گفتند عبارت هستند از:

آیت الله های خمینی، شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی نجفی، حسن قمی، سید محمد شیرازی، سید عبدالله شیرازی، حسینعلی منتظری، سید صادق روحانی، وحیدی، علامه یحیی نوری، سید محمود طالقانی، سید ابوالقاسم خوئی، سید ابراهیم میلانی، صدوقی، اسدالله مدنی، شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی، سید رضا و سید ابوالفضل زنجانی، میرزا هاشم آملی، مرتضی مطهری، محمد حسین بهشتی، هاشمی رفسنجانی، سید علی خامنه ای، محمد رضا مهدوی کنی، علی مشکینی، ناصر مکارم شیرازی، محی الدین انواری، ربانی شیرازی

جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نهضت آزادی، حزب ایران، جبهه ملی، جنبش، سازمان مجاهدین خلق، جنبش

مسلمانان مبارز، جاما، جمعیت موتلفه اسلامی، سازمان زنان دموکرات، باختر، حزب توده، حزب ملت ایران، انجمن زرتشتیان تهران، کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور، جبهه ملی، رنجبران،

نور الدین کیانوری، مهدی بازرگان، کریم سنجابی، پرویز ورجاوند، حاجی مانیان، مسعود رجوی، موسی خیابانی، علی اصغر حاج سید جوادی، ابوالحسن بنی صدر، اعظم طالقانی، سیمین دانشور، محمد علی رجایی، بهزاد نبوی، حبیب الله عسگر اولادی، اکبر پور استاد، حبیب الله پیمان، کاظم سامی، یدالله سحابی، عزت الله سحابی، ابراهیم یزدی، هاشم صباغیان، سید محمد رحیمی، داریوش فروهر، سلطان حسین تابنده، علی موسوی گرمارودی، حسن آیت، عباس شیبانی، علی صدر حاج سید جوادی، لطف الله میثمی،

مخالفان: گروه های پیکار، سازمان کردستان، جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب کردستان، حزب دموکرات کردستان، اتحادیه خواستار حقوق خلق کرد ایران (مریوان)، جمعیت طرفدار زحمتکشان و دفاع از حقوق ملی خلق کرد (سقز)، جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی خلق کرد (بوکان)، جمعیت مبارزین راه آزادی و مدافع حقوق ملی و دموکراتیک خلق کرد (بانه)، اکثر گروه های سیاسی در گنبد و کردستان، سازمان چریک های فدائی خلق ایران، جبهه دموکراتیک خلق، اتحاد ملی زنان

بدینترتیب مشاهده می شود که اکثر نیرو های سیاسی مدافع انقلاب در همه پرسش شرکت کردند و جمهوری اسلامی را برگزیدند. تصور غالب آنها این سخن عبدالکریم لاهیجی بود که "اصل، قانون اساسی است" و بعدا می شود مشکلات را حل کرد.

اما نحوه اجرای انتخابات با اشکالات زیادی همراه شد. نخست اظهارات ضد و نقیض در خصوص میزان رای دهندگان بالقوه بود.

در این انتخابات بر خلاف دوران حکومت شاه حد اقل سن رای دهندگان از ۱۸ به ۱۶ سال، کاهش یافت. همچنین به نظامیان نیز اجازه داده شد تا در انتخابات شرکت نکنند. کاهش سن منجر به افزایش در حدود یک میلیون و هفتصد هزار نفر و اعطاء رای به نظامیان حدود پانصد هزار بر شمار آراء بالقوه افزود.

ابتدا تعداد کسانی که می توانستند رای بدهند بین ۱۰ تا ۱۸ میلیون تخمین زده می شد. آیت الله دکتر مفتاح در سخنرانی که در کانون اسلامی جوانان در جمع کثیری از جوانان در اواخر اسفند ۱۳۵۷ صورت گرفت اعلام کرد: "تعداد کسانی که در فراندوم می توانند شرکت

کنند ده تا ۱۲ میلیون نفر است. وی گفت بر اساس یک آمار گیری تقریبی ۶۰ درصد جمعیت مردم ایران زیر ۱۶ سال سن دارند. از طرف دیگر برخی از مردم در روستا های دورافتاده سکونت دارند که دسترسی به انتخابات نخواهند داشت.

روزنامه کیهان مورخ ۸ فرودین ۱۳۵۸ طی محاسباتی جمعیت واجد حق رای را این چنین محاسبه کرد:

“سر شماری سال ۱۳۵۵ جمعیت در حدود ۳۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بوده است. نرخ متوسط رشد جمعیت ۲.۷ درصد اگر افزوده شود جمعیت در سال ۱۳۵۸ بیش از ۳۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر خواهد بود.

جمعیت بالای ۱۶ سال: ۲۰ میلیون و ۵۶۲ هزار و ۲۵۰ نفر

تعداد مردان: ۱۰ میلیون و پانصد هزار نفر

زنان: ده میلیون، چهل و شش هزار نفر و نهصد و ده نفر

روستا نشینان: ۱۰ میلیون و سی صد هزار نفر

کیهان مورخ ۹ فروردین ۱۳۵۸ از قول مقام مطلع در وزارت کشور اعلام کرد از جمعیت ۳۶ میلیونی فعلی ایران ۱۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر زیر ۱۶ سال و یک میلیون نفر پیر و بالای ۷۰ سال هستند که البته گروه اخیر چنانکه از لحاظ جسمی بتوانند حق شرکت در رای گیری ها را داشته باشند. علاوه بر این گروهی به علت شرائط خاص جغرافیایی محل سکونت شان نمی توانند در رای گیری شرکت کنند. احمد مدرسی یکی از مسئولان ستاد مرکزی برگزاری رفراندوم دیروز در یک گفتگوی کوتاه اعلام داشت: با تمام پیشبینی هایی که شده و با آمار های موجود حداکثر تعدادی که بتوانند در رای گیری شرکت کنند در حدود ۱۸ میلیون نفر خواهد بود. وی اضافه کرد رقم فوق به هیچ وجه قطعی نیست و می تواند کمتر و یا بیشتر باشد”

بر اساس محاسباتی که آقای مدرسی توضیح داده اند ۱۸ میلیون تعرفه رای منتشر شد و در سراسر کشور توزیع گشت. اما چند روز مانده به انتخابات تعداد تعرفه ها افزایش یافت و به ۲۴ میلیون رسید. صادق طباطبایی معاون نخست وزیر وقت در توضیح افزایش تعداد تعرفه ها می گوید: “برای رفراندوم ۲۴ میلیون تعرفه رای چاپ شده است و خبر کیهان در مورد ۲۴ میلیون نفر می توانند در انتخابات شرکت کنند، درست نیست.” وی اضافه کرد: “تعداد رای بسیار بیشتر از تعداد شرکت

کنندگان چاپ شده است تا چنانکه حادثه غیر مترقبه ای پیش آید و برگهای رای به حوزه ای نرسد بموقع از برگهای ذخیره اضافی استفاده کرده و به محل رای گیری برسانیم. "

مدت زمان انتخابات در واپسین روز ها از یک روز به دو روز تغییر یافت. سرانجام روز انتخابات فرا رسید و بزرگ ترین همه پرسی تاریخ ایران در ۱۸ هزار شعبه رای گیری انجام شد. در زمان اجرای همه پرسی بی نظمی و نا هماهنگی های زیادی رخ داد و در برخی از حوزه ها رای دادن حالت مخفیانه نداشت. در ادامه این تخلف ها که از مصادیق انتخابات ناسالم است تشریح خواهد شد.

روزنامه کیهان مورخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ گزارش داد: «احمد نوربخش رئیس ستاد رفراندوم وزارت کشور اعلام کرد ۹۸ درصد واجدین شرایط رای در رفراندوم شرکت کردند. رئیس ستاد در جواب این سؤال که چرا رای گیری کاملاً مخفیانه نبود گفت: من نمی دانم شما این اطلاعات را از کجا بدست آوردید. ما ۱۸ هزار شعبه رای گیری در سراسر کشور و ۲۲۰۰ حوزه در تهران داشتیم و وزارت کشور تاکید دارد که رای گیری مخفی باشد و همه آراء مورد نظر خود را به صورت مخفیانه در صندوق های رای بریزند. وی گفت: از برنامه رفراندوم استقبال بی نظیری شده است. ما در وهله اول پیشبینی می کردیم که شانزده ملیون رای در رفراندوم شرکت کنند. به این جهت هجده ملیون برگ رای چاپ کردیم بعد در مواجهه با کمبود شدیم و نزدیک به شش ملیون برگ رای دیگر چاپ کردیم. وی می گوید بر اساس آمار ۹۸ درصد واجدین صلاحیت در رفراندوم شرکت کرده اند.»

وی در روزهای بعد آمار شرکت کنندگان در رفراندوم را ۲۱ هزار و ۲۸۸ ملیون و ۲۰ نفر و تعداد کسانی که رای آری به جمهوری اسلامی داده اند را ۲۰ ملیون و ۱۴۷ هزار و ۵۵ نفر ذکر کرد (منبع: روزنامه کیهان مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۵۸، ص ۸، شماره ۱۰۶۷۴)

در حال حاضر در سایت وزارت کشور آمار های فوق به ترتیب عبارتند از: ۲۰ ملیون و ۸۵۷ هزار و ۳۹۱ نفر؛ و ۲۰ ملیون و ۴۴۰ هزار و ۱۰۸ نفر. شواهدی وجود دارند که تردید های جدی پیرامون درستی این آمار ها بر می انگیزد.

نخست سراغ جمعیت واجد حق رای می رویم. طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۵۵ جمعیت ۱۶ سال به بالای کشور هفده ملیون و ۷۲۲ هزار و ۷۲۲ نفر بوده است (منبع: سایت درگاه آمار، مرکز آمار کشور). حال اگر

نرخ متوسط رشد سالانه ۳ درصد را در نظر بگیریم مطابق سرشماری سال ۱۳۶۵، آنگاه جمعیت واجد حق رای می شود ۱۹ میلیون و ۵۳۵ هزار و ۴۹۱ نفر که قریب به ۱ تا ۱.۵ میلیون کمتر از آمار مسئولین وزارت کشور است.

اما مسئله بفرنج، عدد بالا و عجیب شرکت کنندگان در رفراندوم است. حدود نیمی از جمعیت وجد حق رای در آن مقطع در روستا ها زندگی می کردند و حدود ۲۰ درصد روستا نشینان در نقاطی سکونت داشتند که امکان تردد و بردن صندوق وجود نداشت. نظام سلطنتی پهلوی هر چقدر هم که منفور بوده باشد باز طرفدارانی در ایران ولو اندک داشته است که جمعیت آنها بسی بیشتر از یک درصد بوده اند. به شهادت اظهارات دکتر صدر حاج سید جوادی وزیر کشور وقت، مردم گنبد به دلیل درگیری های منطقه ای امکان رای دادن پیدا نکردند. منابع دیگری خبر از استقبال گسترده از تحریم در مناطق گنبد و کردستان داده اند. همچنین برخی از نیرو های مهم چپ مانند سازمان فدائیان خلق و پیکار که طرفداران و سمپات هایی در جامعه ایران داشتند دعوت به عدم شرکت در رفراندوم کردند. بخشی از جمعیت سالخورده کشور را نیز باید در نظر گرفت که به دلیل مشکلات جسمانی امکان بیرون رفتن از خانه را نداشته اند. معمولا در گرم ترین و پرشور ترین انتخابات های دنیا نیز بین ده تا بیست درصد از مردم تحت هیچ شرایطی در انتخابات ها شرکت نمی کنند. حال با در کنار هم قرار دادن این عوامل موافقت ۹۸ درصدی جمعیت ۱۶ سال به بالای ایران در سال ۵۸ تقریبا غیر ممکن به نظر می رسد.

این احتمال را می توان در نظر گرفت که بخشی از ۶ میلیون تعرفه رای که در واپسین لحظات منتشر شد از مسیری خارج از انتخاب مردم در صندوق های رای ریخته شده است. برخی از شاهدان و دست اندرکاران آن رفراندوم مدعی هستند که در برخی از حوزه ها تعرفه های رای "آری" به صورت فله ای در صندوق های رای انداخته شده است.

همچنین ادعایی تایید نشده نیز وجود دارد که اساسا همه صندوق های رای شمارش نشده است بلکه مسئولین وقت وزارت کشور به دلیل تنگناهای اجرایی به صورت تصادفی برخی از صندوق های رای را شمرده اند و نتایج آن را به کل تعمیم بخشیده اند.

البته راست آزمایی این ادعا ها دشوار است و محتاج بررسی آرشیو صندوق های رای و صورت جلسه نتایج حوزه های رای گیری است که بسیار بعید به نظر می رسد که از بین نرفته باشند. همچنین کار های

توضیحی مسئولین وقت وزارت کشور و مجریان شمارش آراء نیز می تواند روشنگر باشد.

اما نبود بی طرفی مجریان و برگزار کنندگان همه پرسى از نقائص بزرگ است. طرفداران گزینه نه به جمهوری اسلامی و طرفداری از سلطنت مشروطه نه تنها امکان تبلیغ برابر نداشتند بلکه جرات اظهار نظر نیز نداشتند. همه پرسى در شرایطی انجام می شد که شماری از کارگزاران حکومت سابق در حال محاکمه بوده و جوخه های اعدام نیز فعال بودند. در چنین فضای پلیسی و هراس آوری، اساسا امنیت انتخاب برای آنان وجود نداشت.

تمام امکانات تبلیغاتی کشور از جمله صدا و سیما و رسانه های پرتیراژ کشور در خدمت تبلیغ جمهوری اسلامی بودند. مجریان و ناظران بر انتخابات همه آشکارا جمهوری اسلام دفاع می کردند. ناظر بی طرف و یا مدافع گزینه "نه" وجود نداشت تا به صحت اجرای انتخابات رسیدگی بکند.

اما بنا به گزارش هایی که در مطبوعات وقت منتشر شده است. تخلفات زیر در همه پرسى رخ داده بود: نوشتن تعرفه رای توسط مامورین حوزه ها، رای دادن چند باره با یک شناسنامه، پذیرش کارت شناسایی به جای شناسنامه، خرید رای، دزدیدن صندوق های رای، مخفی نبودن رای گیری، ریختن فله ای رای در صندوق ها. (منبع: کیهان ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ شماره ۱۰۶۷۱ ص ۲ و ۳)

بنابراین همه پرسى فرودین ۱۳۵۸ یک کار تشریفاتی بود نه یک همه پرسى واقعی و بیشتر به یک بیعت با فراخوان آیت الله خمینی می مانست. در این همه رویداد اصول لازم برای یک انتخابات آزاد و منصفانه رعایت نشد. همچنین سلامت اجرای انتخابات نیز بشدت مورد تردید است. این همه پرسى شبهه دار سرآغازی برای برنتافتن انتخابات آزاد و منصفانه در ایران پس از انقلاب شد. شاید اگر آن روز نیرو های انقلابی وقت بر روی رعایت اصول انتخابات آزاد، منصفانه و سالم پای فشاری می کردند، آنگاه انتخابات در جمهوری اسلامی شکل دیگری می یافت و چه بسا انقلاب از مسیر خود منحرف نمی شد.

اولین خشت کج انتخابات در پس از انقلاب در رفراندوم تاسیس جمهوری اسلامی گذاشته شد. این رفراندوم به دلیل مشکلات گوناگون مشروعیت آفرین برای جمهوری اسلامی نیست. اگر چه رفراندوم در بهترین شکل

نیز برگزار می شد باز گزینه نا مشخص "جمهوری اسلامی" بیشترین بخت را برای پیروزی داشت. البته ممانعت آیت الله خمینی از طرح گزینه های دیگر و بخصوص طرد جمهوری دموکراتیک اسلامی می تواند نشانگر عدم اطمینان وی از تثبیت مدل حکومتی مطلوبش باشد. توجه به نرخ مشارکت رسمی در همه پرسى مربوط به قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان در سال ۱۳۵۸ روشنگر است. طبق آمار رسمی قریب به ۵۲ درصد از واجدین حق رای در این همه پرسى شرکت کردند. از آنجاییکه امکان پایین تر بودن نرخ مشارکت واقعی به صورتی جدی محتمل است بنابراین می توان نگرانی آیت الله خمینی را دریافت که در صورت امکان گزینش از بین چند گزینه، تشکیل جمهوری اسلامی امکان نا پذیر جلوه می نمود. لذا او ترجیح داد که ریسک نکند و همه پرسى به شکلی برگزار شود که نتیجه آن از پیش تعیین گشته باشد.

یکشنبه ۶ فروردین ۱۳۹۱

□□ □□□□□□ □□ □□□□□□

## متن پیام خمینی، به مناسبت ۱۲ فروردین

بسم الله الرحمن الرحيم

و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين. صدق الله العظيم

من به ملت بزرگ ایران که در طول تاریخ شاهنشاهی، که با استکبار خود آنان را خفیف شمردند و بر آنان کردند آنچه کردند، صمیمانه تبریک می گویم. خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت های مستضعف نمود، و با برقراری جمهوری اسلامی، وراثت حقه را بدانان ارزانی داشت. من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی ایران را اعلام

می‌کنم. به دنیا اعلام می‌کنم که در تاریخ ایران چنین فراندمی سابقه ندارد که سرتاسر مملکت با شوق و شغف و عشق و علاقه به صندوقها هجوم آورده و رای مثبت خود را در آن ریخته و رژیم طاغوتی را برای همیشه در زباله‌دان تاریخ دفن کنند.

من از این همبستگی که جز مثنی ماجراجو و بیخبر از خدا، همه و همه به ندای آسمانی و اعتصموا بحبل الله جمیعا لبیک گفتند، و با تقریبا اتفاق آرا به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند و رشد سیاسی و اجتماعی خود را به شرق و غرب ثابت کردند، تقدیر می‌کنم. مبارک باد بر شما روزی که پس از شهادت جوانان برومند و داغ دل مادران و پدران و رنجهای طاقت‌فرسا، دشمن غول صفت و فرعون زمان را از پای درآوردید، و با رای قاطع به جمهوری اسلامی، حکومت عدل الهی را اعلام نمودید. حکومتی که در آن، جمیع اقشار ملت با یک چشم دیده می‌شوند و نور عدالت الهی بر همه و همه به یک طور می‌تابد، و باران رحمت قرآن و سنت بر همه کس به یکسان می‌بارد. مبارک باد شما را چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و لر و کرد و بلوچ مطرح نیست. همه برادر و برابرند؛ فقط و فقط کرامت در پناه تقوا و برتری و به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است.

مبارک باد بر شما روزی که در آن تمام اقشار ملت به حقوق خود می‌رسند، فرقی بین زن و مرد و اقلیتهای مذهبی و دیگران در اجرای عدالت نیست. طاغوت دفن شد و طغیان و سرکشی به دنبال او دفن می‌شود، و کشور از چنگال دشمنهای داخلی و خارجی و چپاولگران و غارت پیشگان نجات یافت. اینک شما ملت شجاع، پاسداری جمهوری اسلامی هستید. اینک شما هستید که باید این اثر الهی را با قدرت و قاطعیت حفظ کنید و نگذارید بقایای رژیم متعفن که در کمین نشسته‌اند و طرفداران دزدان بین‌المللی و نفت‌خواران مفتخوار در بین صفوف فشرده شما رخنه کنند. اینک شما باید مقدرات خود را به دست بگیرید و مجال به فرصت طلبان ندهید، و با قدرت الهی که مظهر آن جماعت است، قدمهای بعدی را بردارید، و با فرستادن طبقه فاضله و امنای خود در مجلس موسسان، قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب برسانید، و همان طور که با عشق و علاقه به جمهوری اسلامی رای دادید، به امنای امت رای دهید تا مجالی برای بداندیشان نماند.

صبحگاه ۱۲ فروردین - که روز نخستین حکومت الله است - از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ماست. ملت ما باید این روز را عید بگیرند و زنده نگه دارند. روزی که کنگره‌های قصر ۲۵۰۰ سال حکومت طاغوتی فرو ریخت، و سلطه شیطانی برای همیشه رخت بریست و حکومت مستضعفین که

